

حدود قدرت شیطان

تاریکی، شر و شیطان؛ برخی معتقد هستند که اینها منشایی دیگر جز خداوند دارند، باوری که چندان با توحید سازگار نیست. باور به اهریمن و نیروهای شر در جهان ما گاهی آن قدر قوی می‌شود که بازار دعا نویسان و جن‌گیرها را داغ کند.



شیطان از نگاه ادیان الهی

حدود قدرت شیطان

تاریکی، شر و شیطان؛ برخی معتقد هستند که اینها منشایی دیگر جز خداوند دارند، باوری که چندان با توحید سازگار نیست. باور به اهریمن و نیروهای شر در جهان ما گاهی آن قدر قوی می‌شود که بازار دعا نویسان و جن‌گیرها را داغ کند. جن‌گیری علاوه بر شغل مرسوم در قرون وسطی، عنوان فیلم پرفروشی نیز بود که در آن باورهای مسیحی و تخیلی به هم آمیخته بود، اما حدود قدرت شیطان یا موجودات شر چقدر است؟

توحید و قدرت خداوند

منشأ همه امور در جهان خداوند است. باور به توحید جوهر ادیان ابراهیمی تلقی شده است. هیچ قدرتی در جهان با قدرت خداوند برابری نمی‌کند. هرچند درخصوص نحوه اعمال قدرت خداوند در میان متفکران جهان ادیان اختلاف نظر وجود دارد، اما همه در این نکته باهم مشترکند که قدرت دیگری بجز او وجود ندارد. از دیدگاه فلسفه‌های دینی خدا منشأ وجود است. از منظر موحدان قدرت خدا در جهان یگانه است و هیچ قدرتی به اندازه قدرت خداوند نیست.

ناگهان شیطان

ناگهان شیطان سجده نکرد، وقتی همه فرشتگان و افلاکیان به فرمان الهی در مقابل مقام انسان به سجده افتادند، او که معتقد بود برتر است، سجده نکرد و قول داد که انسان را از مسیر حق گمراه سازد. ادیان سایه ابلیس را در جریان تخطی آدم و حوا از فرمان الهی نشان داده‌اند. عزم شیطان بر فریفتن آدمی در راه حقیقت برخی را بر آن داشته است که اهریمن را موجودی عینی و موثر بدانند. اعتقاد به جن که جنس شیطان است، به عنوان موجودی مختار و ذی نفوذ در حیات بشر، هرچند ریشه در ادیان دارد، اما بعضاً جهان‌شناسی توحیدی را نادیده گرفته است.

هرچند بسیاری از کارشناسان دینی، آیین زرتشت را توحیدی می‌دانند، اما جهان‌شناسی این دین در ذیل توحید، دو حوزه تاریکی و روشنایی را به تصویر کشیده است. براساس یک قرائت، اهریمن در آیین زرتشت در عالم تاثیر دارد و جهان ظلمت را اداره می‌کند، اما ابلیس در ادیان ابراهیمی مخلوق ذات باریتعالی است. این اعتقاد زرتشتی به فلاسفه ای همچون شهاب الدین سهروردی نیز سرایت کرده است. وی معتقد است که انسان باید از جهان مغرب که حوزه تاریکی است به جهان روشنایی برود. باری این دوگانه انگاری شرقی در مغرب زمین و در آراء برخی فیلسوفان مسیحی نیز دیده می‌شود. آیین بودا نیز شیطان را به عنوان مبدأ شر انسان به رسمیت می‌شناسد.

یهودیان بر آنند این شیطان بود که انسان را فریفت تا از میوه درخت معرفت بخورد و به نیک و بد آگاه شوند. مسیحیان نیز شیطان را موجودی طرد شده به واسطه غرورش خوانده‌اند. برخی از صوفیان شیطان را عاشقی دلشکسته دانسته‌اند که از درد عشق بر خدا شورید. احمد غزالی از این دست است و شیطان را «سیدالموحدين» می‌خواند، امروزه اما دیگر شیطان عاشق پیشه از تفاسیر عارفانه خارج شده و پرستش هم می‌شود، آیین شیطان پرستی نهایت اعتقاد به جهان دوگانه است. شاید چیزی صریح‌تر از این آیین دست ساز ضلالت را نشان ندهد.

دیدگاه اسلام در این میان به ادیان ابراهیمی نزدیک است. اطلاعاتی که قرآن درخصوص شیطان می‌دهد از این قبیل است که او از جنس آتش است، خلقت آن که پیش از انسان صورت گرفته، مختار بودن این جن و نیز تلاشش برای فریفتن بنی آدم.

سنن الهی و اختیار انسان

انسان موجودی مختار خوانده شده است، اما جدال جبر و اختیار، ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود اختصاص داده است. دیدگاه مذهب شیعه میان جبر و اختیار قرار می‌گیرد و راه را برای هر دو گشوده است. انسان مسئول اعمال خویش است، اما اعمال انسان تنها توسط خود او تقدیر نمی‌شود. بسیاری از اتفاقات در زندگی بشری رخ می‌دهد که از کنترل او خارج است. شیطان وقتی وارد داستان اختیار می‌شود که برای اولین بار بتواند اختیار انسان را در نقض دستور خداوند فعال کند، اما نگاه به بقیه داستان میوه ممنوعه نشان می‌دهد که خداوند وضع انسان را تنزل داد. هبوط انسان نشان از آن بود که نه شیطان که این خود آدم و حوا بودند که مجرم شناخته شدند. سنن الهی مانند رشته‌هایی از علیت هستند و اختیار انسان نیز یکی از این سنن در نظر گرفته می‌شود. تاثیر اجنه شاید ریشه خود را در همین سنن الهی بیابد. وقتی فرد از خدا دور می‌شود و به سمت نیروهای شیطانی می‌رود، درواقع به سنن الهی توسل جسته است. داوری همه درد های انسان ازجمله تاثیر عوامل غیبی در توکل و جستن راه الهی حاضر است، همان طور که بارها قرآن به انسان تذکر داده است، خداوند برای انسان کفایت می‌کند و برای انسان جز حاصل دسترنجش چیزی وجود نخواهد داشت.

حدود قدرت شیطان

باتوجه به قدرت بیکران خداوند تاثیر عوامل ماوراءالطبیعی و شیطانی در محدوده قدرت خداوند و بی تردید فروتر از قدرت

اختیار انسان است. وقتی فرد یا افرادی از اختیار خود انصراف می دهند و با تکرار افعال گناه خود را در جریانی بی بازگشت قرار می دهند، با مشکلاتی مواجه می شوند که درواقع خود مسبب آن بوده اند و چون این تبعات ناخواستنی است، عامل را شیطان و جن معرفی می کنند. با این حال نمی توان موجودی سیاه یا جهانی شر را فرض گرفت که جدا از جهان الهی است. سنن الهی و ازجمله اختیار، انسان را آنقدر توانمند کرده است که بتوان او را مسئول وضعش دانست. نمی توان علت بدبختی را فلان دعانویس یا شیطان معرفی کرد. راه برای نفوذ و تاثیر جن ها و دعانویسان بسته است و این خود ما هستیم که با اختیار عواقبی محتوم را به جان می خریم. حدود قدرت شیطان را ما تعیین می کنیم، مایی که فرمان سجده مخلوقات را نادیده می گیریم و به جای سجده در مقابل ذات باریتعالی و به دوش کشیدن رسالت الهی در پای شیطان سجده می کنیم.

میثم قهوه چیان / جام جم